دیدگاه

چون کتاب می‌خوانم از تو بهترم؟

نگار فیض آبادی

یادم است در نمایشگاه کتاب، به‌طور اتفاقی دو نفر از دوستانم را دیدم که سر موضوعی با هم گفتگو (بخوانید جدل) می کردند. بعد هم مرا روی صندلی قضاوت نشاندند تا بگویم حق با کدام شان است. جدل شان سر این بود که یکی به دیگری می گفت: «چون کتاب بیشتری از نمایشگاه خریدم، از تو بهترم». هر دو منتقد بی‌محابای هم بودند. یکی‌شان ضایعه عظیم کتاب‌نخوانی دیگری را هدف نقد و تأسف قرار داده بود و دوستش هم با جمله «حالا این همه خوندی، چی شد؟»، او را زیر سؤال برده بود.

من خوبم و تو بدی

همان موقع این سؤال در ذهنم خودنمایی کرد که کتاب‌خوانی ما چقدر باعث تفاخر ما نسبت به دیگران شده؟ انگار کتاب، تبدیل به ابزاری شده تا نیاز برتری‌طلبی آدم‌ها، ارضا شود. خیلی وقت‌ها کتاب‌خوانی، تبدیل به رقابتی می‌شود و این پیام را به فرد مقابل، منتقل می کند که من به‌واسطه پُرخوانی‌ام، خوبم و تو چون کم می‌خوانی یا اصلاً نمی‌خوانی، پس بدی.

باید به کتابخوانی افتخار کرد؟

اگرچه مطالعه، امری پسندیده است اما گاهی قامت کتابخانه‌های شخصی افراد، موضوع دعوای آن‌ها می‌شود. تا جایی که بعضی‌ها ممکن است به خاطر کتابخوانی، دچار هذیان خودبزرگ‌بینی شوند و همین موضوع، مسیر تحقیر کردن دیگران را هموار کند. راستی مطالعه، چقدر باعث ژرف‌اندیشی آدم‌ها شده؟ اگر قرار باشد رسم مطلوب مطالعه، اسباب تمسخر دیگران را فراهم سازد، باید به این کتاب‌خوانی افتخار کرد؟ یاد حرف یکی از روانشناس‌ها میفتم. نقل به مضمون اینکه به اعتقاد راجرز: «هرچقدر بیشتر یاد گرفتم، کمتر دست به اصلاح دیگران زدم». واقعاً این‌همه اصرار بعضی از ما برای اصلاح دیگران در عین نادیده گرفتن رفتارهای ناپسند خودمان، آن‌هم با شلیک شعار و کنایه جای آسیب‌شناسی دارد.

طبقه مرفهی به نام کتابخوان‌ها

اگر کسی با خواندنِ بیشتر، فکر کند که چند سر و گردن از دیگران برتر است، پس خودش را مجاز بداند تا بر دیگران بتازد، عادت کار آمد مطالعه را زیر سؤال برده است. همین جاست که به شأن فرهنگ کتابخوانی، خدشه بزرگی وارد می‌شود. مثل این می‌ماند که کتاب هم تبدیل به کالایی شود که داشتنش، فرد را در طبقه مرفه قرار می دهد و همین بهانه‌ای شود تا کسی که کتاب کمتری دارد خودش را حقیر بداند.

سوءهاضمه فکری، بیماری پنهان امروز

نمایشگاه امسال برای بعضی‌ها عرصه‌ای بود تا با وزن کتاب‌هایی که خریدند، سوادشان را به رخ هم بکشند. در حالی که باید به جواب این سؤال فکر کنیم که چه کتابی می‌خوانیم؟ اگر کسی کتاب «بی‌شعوری» را به سبب شهرت نویسنده و خوش‌اقبالی‌اش در فروش هر چه بیشتر، بخواند و آن را مرجعی برای سنجش شعور آدم‌ها قرار دهد باید او را فردی باسواد قلمداد کرد؟ اکتفا کردن به خیلی از کتاب‌ها، هرگز کافی نیست. اتفاقاً بهاءالدین خرمشاهی، کسانی که به‌جای کتاب‌های بهتر، فقط کتاب‌های بیشتری می‌خوانند را مبتلایان به «سوءهاضمه فکری»، خطاب می کند.

دو راه بیشتر نداریم

بعد از مطالعه می‌شود یکی از این دو راه را انتخاب کرد. اول اینکه صرفاً بار بر اطلاعات باشیم و فارغ از اینکه خودمان چقدر عمل می کنیم در برخورد با افراد دیگر، مثل دستگاه‌های سخنگو، فقط جملات قصار تحویل هم بدهیم و بگوییم تو باید طوری باشی که فلان کتاب و نویسنده می گوید. دوم اینکه بعد از گشت‌وگذار در دنیای کتاب‌ها اگر دانشی عایدمان شده آن را تبدیل به بینش و رفتار کنیم و طوری یک آموزه مفید را در خزانه رفتاری‌مان ذخیره کنیم که از ما بپرسند کدام کتاب دنیای تو را تغییر داد؟

از کتاب‌ها می ترسم

قطعاً به‌جای تخریب شخصیت کسانی که کمتر می‌خوانند، باید عادت مطالعه نکردن را نقد کرد. اما اینکه کسی اهل مطالعه باشد و کتاب‌نخوان‌ها را تحقیر یا تمسخر کند بیشتر می‌شود به جهل او شک کرد. جمله محمود دولت‌آبادی، در ذهنم مرور می‌شود که نوشت: «احساس می کنم از کتاب‌ها می ترسم. هر وقت خودم را در میان کتاب‌ها می‌بینم با صراحت بی‌رحمانه‌ای احساس نادانی می کنم. جهل، هیهات!».

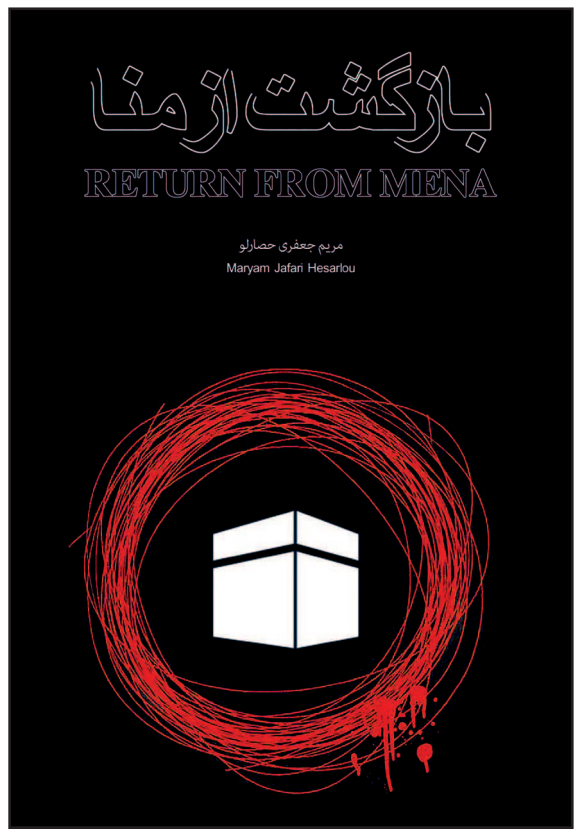
نگاهی به جدیدترین اثر مریم جعفری حصارلو به بهانه آخرین جلسه نقد و بررسی آن

روح شهدا در کتاب «بازگشت از منا»

PDF Compressor Free Version

همین چندی پیش بود که مجموعه آثار مریم جعفری حصارلو در سی و یکمین نمایشگاه کتاب تهران به نقد و بررسی گذاشته شد. در این مجال بر آنیم تنها به بررسی یکی از آثار این نویسنده جوان و خلاق بپردازیم. از این منظر نگاهی می‌اندازیم بر نمایشنامه «بازگشت از منا» که با الهام از این فاجعه توسط وی به رشته تحریر در آمده است.

سیدعلی حمزه



بسیاری از نویسندگان حوزه تیاتر و سینما تا کنون تلاش کرده اند آثار بدیع و قابل تاملی را در قالب یک کتاب به منصه ظهور برسانند. اما «بازگشت از منا» کتاب متفاوتی است. چه آنکه حتی فرمت و قالب چاپ آن هم متفاوت است و در قالب یک تابوت چوبی و طومار کاغذی روانه بازار شده است.

ابتدا باید گفت بدیع بودن این کتاب از آنجا نشات می گیرد که نام کتاب خود مبین مسئله ای است که در این کتاب مطرح می شود. کتاب اساساً در قطع رقعی است و داستانی از روایت زائران خانه خدا را مطرح می کند. روایت هایی که یادآور پازل به هم ریخته تصویری از زندگی سه گانه سه بانوی زائر است. اولین بانو، یک بانوی مسیحی تازه مسلمان شده است که بی خبر از خانواده اش برای اولین بار به خانه خدا مشرف شده و تنها به یک دوست جوان خود-سلینا- قصه مسلمان شدنش را بازگفته و او را به مسیح قسم داده که به هیچ کس این راز نگوید. حال همه خانواده اش به دنبال او می گردند و ادامه ماجرا.

دومین بانو یک بانوی یزدی است که با لهجه شیرینش تلاش می کند که تمام آرزوها و خواسته های همشهریانش در شهر و روستاهای اطراف یزد را توسط دختر بیمارش -معصومه- که دچار بیماری صرع است بازنویسی کند. زیرا خودش خواندن و نوشتن نمی داند و می خواهد همسرش طوماری که معصومه دخترش نوشته را برای خدا بخواند. معصومه آرزویش از خدا این است که هیچ وقت مادر او را تنها نگذارد و ادامه ماجرا.

سومین بانو، زینب است . دختری جنوبی که پدرش تازه فوت کرده و حال به جای پدرش برای زیارت خانه خدا می رود. در حالی که تنها یک مادر دارد. فاجعه منا رخ می دهد و او به ایران باز نمی گردد. در نتیجه مادر پیر با بقچه ای به تهران آمده و در فرودگاه بیتوته کرده تا شاید دخترش باز گردد.

اما خط داستانی هرگز به سرعت، پرده از داستان زندگی این سه بانو بر نمی دارد و نویسنده به شیوه اطلاعات دهی قطره ای هر بار تنها با رفت و آمد نور لحظه ای از پریشان خاطری های باقی ماندگان شهدا را نشان می دهد و با استفاده از فلاش بک و فلاش فوروارد پرده از داستان زندگی شان بر می دارد.

نکته قابل تامل، مسئله فلش فوروارد و نحوه باز خوانی واقعه است. نویسنده با استمداد از آثار برجسته ای همچون «مسافران» اثر بهرام بیضایی تلاش می کند نوعی از بازی با روایت را در آینده را ایجاد کند.

بنابراین یک خبرنگار، راوی ماجرای زندگی این شهدا بوده که خود یک بانوی شهید است. یعنی خبرنگاری شهید، از واقعه ای در گذشته می گوید و پیش از روایت عنوان می کند «ما به سرزمین وحی رفتیم اما راه بازگشتی نداریم» این یکی از جملات کلیدی این آثار است که در پایان همچون سیری دایره وار یک بار دیگر به قلم خبرنگار نوشته می شود و در پایان نویسنده مجدد می گوید: «فکر می کنم گزارش خوبی شده باشه... ما به سرزمین وحی رفتیم اما راه برگشتی نداریم».



نکته قابل تامل، مسئله فلش فوروارد و نحوه باز خوانی واقعه است. نویسنده با استمداد از آثار برجسته ای همچون «مسافران» اثر بهرام بیضایی تلاش می کند نوعی از بازی با روایت در آینده را ایجاد کند

بنابراین مخاطب زمانی که نمایش را مشاهده می کند در سیر نوشتن یک اثر قرار می گیرد.

اثری که پیش از پایان، نحوه آن به صورت فلاش فوروارد مطرح می شود. پایان این اثر همچنان باز است اگرچه گزارش خبری فاجعه منا از زبان یک خبرنگار بانوی شهید روایت شده، اما داستان همچنان ادامه دارد و بی پایانی و نوعی بی آغازی ماحصل دیدگاه هایی است که ریشه در نگاه های اندیشمندان پست مدرن دارد. در عین حال روح شهدا به سراغ بازماندگان منتظر می آیند و فصل تازه ای از روابط غیر رئالیستیک را در این کتاب رقم می زنند. چنین دیدگاه هایی را اصولا در آثار سوررئالیستی و گاه اکسپرسیونیستی به کار می گیرند و عجیب آنکه مریم جعفری حصارلو در شرایطی از این تکنیک استفاده می کند که اثرش ظاهرا یک اثر رئالیستی و اپیزودیک است. اما این اثر تنها به صورت یک کتاب در بازار نشر توزیع نشده است. بلکه یکبار دیگر نویسنده تلاش می کند تا در شکلی از کتاب تزئینی ظاهر کتاب را به صورت یک تابوت چوبی و حجمی قالبسازی کند و طوماری از درد دل اهل آبادی در داخل تابوت به جای جسد شهدای منا به ایران باز گشته است را بدون جلد و صحافی منتشر کند. جای بسی تعجب است که نویسنده در تصویر سازی فاجعه منا به اثری بدیع دست یافته و البته هنرمندان و طراحان برجسته ای در روند تولید این کتاب تزئینی موثر بوده اند. ناگفته نماند طوماری که نمایشنامه در دل آن چاپ شده یک طومار سه متری است.

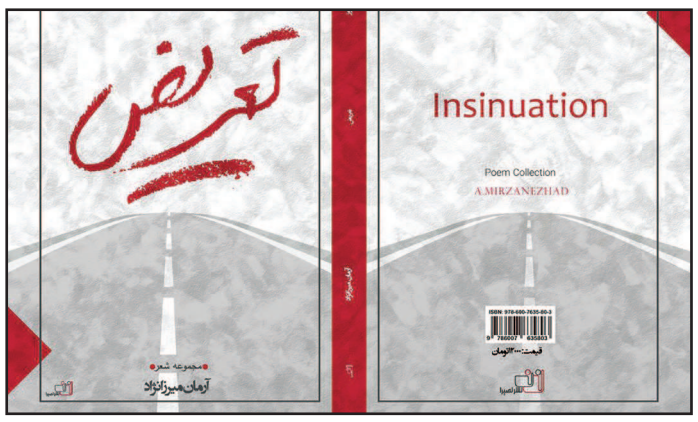
گذری بر تازه‌های بازار کتاب

با سروده‌هایی از آرمان میرزانژاد

مجموعه «تعریض» منتشر شد

نعیم نوربخش

در این مطلب قصد داریم شما را با جدیدترین اثر آرمان میرزانژاد شاعر و منتقد جوان اهل رشت آشنا کنیم. او فعالیت‌های آغازین خود را در زمینه ادبیات و شعر از سال ۸۶ با وبلاگ نویسی شروع کرد. همچنین در همین سال در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پذیرفته شد. گرایش فکری اولیه او به مبانی نظری و نقادانه با مطالعه و تحلیل آثار نیما یوشیج همراه بود که بعدها عمده این تلاش‌ها در کتاب «پیش آهنگ ویرانی کوره راه» با رگه‌هایی از تاثیرپذیری اندیشه‌های نظری و آثار شعری نیما باعث شد شعرهایی در سبک نیمایی و سپید نیز بسراید. دومین اثر او کتاب «سیمای شعر مدرن معاصر» است که در عرصه نقد ادبی، اشعار شاعران شاخص معاصر همچون نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد، نصرت رحمانی، یدا... رویایی، رضا براهنی و منوچهر آتشی را مورد بررسی و نقد قرار داده است. این کتاب در جایزه قلم زرین ایران سال ۱۳۹۴ نامزد برترین اثر و برگزیده نقد و تحقیق شده است. کتاب سوم او «تعریض» شعرهای سروده شده سال‌های ۹۰ تا ۹۴ را در بر میگیرد که به تازگی توسط انتشارات نصیرا روانه بازار کتاب شده است. شعرهای «تعریض» به گفته خود شاعر غالبا بیانگر جنبه‌های خاصی از نگاه‌های نهیلیستی در وصف و روایت از محیط فردی و اجتماعی شاعر هستند که وضعیت و حالات نسل جدید جامعه را توصیف می کنند. در بخش‌هایی از مقدمه کتاب آمده است: «تلاشی اگر هنوز گفتمان نوگرایی را برای من جدی و ضروری می‌سازد همان باور به اندیشه‌ی انتقادی، پویا و درون ماندگار است، چیزی که محیط اجتماعی ما به نظر سخت محتاج آن است. طور دیگری نگریستن و بیان کردن و به واقعیت بدل کردن و مغایر با حق و عدالت نبودن...» نویسنده در ادامه مقدمه کتابش می افزاید: «اساسا ایده‌های گفتمان نوگرا به دلایل عدیده ای به حاشیه رانده شده و از دوره نیما تا کنون تغییرات خاص خود را توسط شاعران نوجو در زبان شعر، روایت، شکل و سایر ابزارهای شعری اعمال کرده است. و کتاب شعر تعریض از این مسیر ناهموار و پرهیاهو می آید.» مجموعه شعر «تعریض» سومین کتاب آرمان میرزانژاد است که قطعاً از او در آینده عرصه نقد ادبی معاصر بیشتر خواهیم شنید. این کتاب در ۱۳۲ صفحه با قیمت ۱۲۰۰۰ تومان توسط نشر نصیرا به بازار کتاب عرضه شده است.

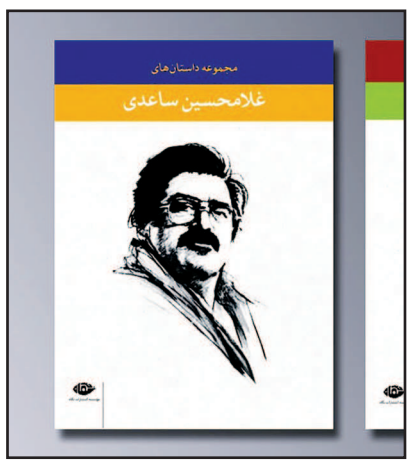


نمایشنامه‌ها و داستان‌های غلامحسین ساعدی در نشر نگاه

مجموعه نمایشنامه‌های غلامحسین ساعدی شامل کتاب‌های «وای بر مغلوب»، «کلاته گل»، «آی بی کلاه آی با کلاه»، «گاو»، «چوب به دست‌های ورزیل»، «دیکته و زاویه»، «خانه روشنی»، «ضحاک»، «مار در معبد» و «جانشین» در انتشارات نگاه منتشر شد.

به گزارش هنرآنلاین نمایشنامه‌های غلامحسین ساعدی در دهه‌های چهل و پنجاه تا امروز به دلیل توجه شان به سوژه‌های اجتماعی و سیاسی و همچنین به دلیل نگارش مینی‌مالیستی و ساده‌شان، این بخت را داشته‌اند که بارها و بارها توسط گروه‌های تئاتری آماتور و حرفه‌ای روی صحنه بروند. هم نمایشنامه‌های نمادین او و هم نمایشنامه‌های واقع گرایانه اش همواره آیینه تمام نمای جامعه ایرانی بوده‌اند، آیینه‌ای که هراس‌ها و مصائب دوران خود را به خوبی منعکس کرده‌اند. مجموعه نمایشنامه‌های ساعدی با قیمت ۱۰۲ هزار تومان منتشر شده است.

همچنین مجموعه داستان‌های این نویسنده نیز با قیمت ۱۱۰۰۰۰ تومان در همین نشر چاپ شده است. این مجموعه نیز شامل کتاب‌های «عزاداران بیل»، «غریبه در شهر»، «ترس و لرز»، «شب نشینی با شکوه»، «آشفته حالان بیداربخت» و «عافیتگاه» می‌شود. غلامحسین ساعدی در دی ماه سال ۱۳۱۴



در تبریز به دنیا آمد و در آذر ماه سال ۱۳۶۴ در پاریس درگذشت. او که با نام مستعار «گوهر مراد» نیز می‌نوشت از نویسندگان و نمایش‌نامه نویسان تراز اول معاصر ایران به حساب می‌آید. همچنین سه فیلم براساس فیلمنامه‌های ساعدی ساخته شده است: «گاو» و «دایره مینا» با کارگردانی داریوش مهرجویی و «آرامش در حضور دیگران» با کارگردانی ناصر تقوایی که آثار قابل تاملی در سینمای ایران هستند.

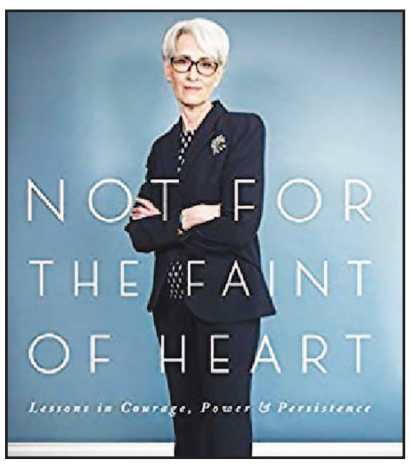
انتشار خاطرات وندی شرمن از مذاکرات هسته‌ای با ایران

قرار است کتابی از وندی شرمن، معاون سیاسی وزارت خارجه پیشین امریکا با عنوان «برای افراد ضعیف ممنوع، درس‌هایی از شجاعت، قدرت و مقاومت» در ماه سپتامبر سال جاری منتشر شود که شرمن در آن از خاطرات روزهای حضورش در وزارت امور خارجه امریکا رازهایی را برملا خواهد کرد.

به گزارش ایبنا به نقل از انتشارات پابلیک افرز -وندی شرمن، معاون سیاسی پیشین وزارت امور خارجه امریکا و مذاکره کننده ارشد امریکا در مذاکرات هسته‌ای (گروه ۵+۱ با ایران) خاطرات خود را در کتابی با عنوان «برای افراد ضعیف ممنوع؛ درس‌هایی در شجاعت، قدرت و مقاومت» در ۲۵۶ صفحه و از سوی انتشارات پابلیک افرز روانه بازار خواهد کرد.

دیپلمات برجسته امریکایی، در این کتاب قصه‌گویی‌های شخصی را با بینش حرفه‌ای در می‌آمیزد تا به خوانندگان نشان دهد که چگونه ارزش‌های دیپلماتیک مانند شجاعت، مقاومت و احساس همدردی در دل زندگی‌های شخصی کارکردی مشابه خواهند داشت.

هنر دیپلماسی به شجاعت، مقاومت و فراتر از همه آن‌ها به اصالت و درستی نیاز دارد. شرمن در این کتاب با بحثی که پیش می کشد ثابت می کند که همه ما



می‌توانیم این ویژگی‌ها را در زندگی خود به کار ببریم.

معاون پیشین وزارت خارجه ایالات متحده امریکا، در این کتاب داستان‌هایی از زمان ماموریت‌اش در وزارت امور خارجه و مذاکرات درباره مهم‌ترین مسائل مربوط به زمانه ما به عنوان تنها زن حاضر در اتاق مذاکرات را به همراه داستان‌هایی از زندگی شخصی‌اش نقل می کند تا نشان دهد چطور تجربیات شخصی بر زندگی حرفه‌ای ما تاثیر می گذارد.